



koorosh@ukonline.co.uk

جمهوری اسلامی دارد. و بالاخره کابوس است چون جمهوری اسلامی و هر دو جناح نمایندند با عدم مشارکت وسیع مردم در این مراسم باید چگونه ماندن و بودنشان را توجیه کنند. بخصوص جناح دو خرداد، سویاپ اطمینان در مقابل

صفحه ۲

گفتگوی علی جوادی با کوروش مدرسی

چین شده کسی را انتخاب کنند. این یکی از مراسم رژیم است مثل دعای کمیل یا شام غریبان. قرار است به صفوفش انسجامی و مشروعیتی درونی بدهد. این مراسم را بعنوان انتخابات جا زدن توهین به شعور و شخصیت مردم است، دلالی سیاسی است و دلالت بر تعلق به چارچوب عمومی

اینهمه وحشت از چیست؟

محسن ابراهیمی



abraimi1@yahoo.com

صفشان در آستانه شعبده اسلامی ۱۸ خرداد نگاه کنید: عده ای، "سید مظلوم" را از کاندید شدن برحذر میکنند. عده ای عاشورا راه انداخته اند که ای "تنها گزینه نظام" اگر نیایی روزگار تیره و تاری خواهیم داشت. کسانی از سید "عبور" کرده اند و خود کاندید شده اند تا شاید نگذارند چراغ دوم خرداد کاملاً خاموش شود. خود خاتمی چهار ماه لب نگشود و چهارصد بار استخاره کرد و عاقبت با اشک یاس و تردید بر دیدگان عازم محل ثبت نام شد تا به قول برادرش شاید با "ماندن در درون حکومت بیشتر بتواند نظامی را که قبول دارد حفظ کند". عده ای هم از فرط استیصال، کارت "رفراندوم" را به وسط انداخته اند که اگر به خاتمی رای ندهید یعنی جمهوری اسلامی را آنچه‌آن که هست می‌خواهید.

دوم خردادیه همچنان التماس میکنند تا راست کسی را برای شرکت در "شبیبه اسلامی" ۱۸ خرداد به میدان بفرستد. این راهی است تا

صفحه ۳

مراسم انتخاباتی رژیم

علی جوادی: انتخابات سرنوشت ساز، "مضحکه"، "کابوس"، کدامیک بیانگر موفقیت سیاسی مراسمی است که جمهوری اسلامی در پیش رو دارد؟ کوروش مدرسی: همه اینها. این مراسم که جمهوری اسلامی نام انتخابات به آن داده برای رژیم میتواند سرنوشت ساز باشد. نه در ارتباط با رابطه میان دو جناح بلکه در ارتباط با رابطه میان مردم با هر دو جناح. یعنی با کل حکومت جمهوری

گفته های هفته

صفحه ۳

عمیق و پر مخاطره!

حتی مجبورند مستقیم یا غیر مستقیم اذعان کنند که همین استدلال در مورد خودشان نیز صادق است: تکرار دوم خرداد و برگرداندن اوضاع به مقطع برویایی "جنبش اصلاحات" نیز ممکن نیست. آماده شکست در ۱۸ خرداد ۸۰ میشوند. بهمیدرگ نصیحت میکنند تا "ریزش آراء" را بپذیرند و با فرض آن برای آینده نقشه بکشند. با آه و اسف اعتراف میکنند که انتخابات آینده "بی رونق" خواهد بود و حالا باید به فکر اوضاع بعد از انتخابات بود. طفلی‌ها! قرار بود که انتخابات روز مهمی برای اینها باشد. حالا باید پیشاپیش به فکر بعد از آن باشند. اما به نظر نمی رسد "بعد از انتخابات" هم چندان به کام حضرات باشد.

در بین مردم یکسره اوضاع دیگری حاکم است. همان اندازه که بازار انتخابات و تنها کاندید دوم خرداد و کل جمهوری اسلامی کساد است، اعتراض و مخالفت با همه اینها و علیه مضحکه انتخابات شان پر رونق است.

صفحه ۴



مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com

همه شواهد نشان میدهد که فضای عمومی در بین مردم ایران بشدت علیه شرکت در انتخابات است. جناح راست و دوم خرداد، همه، نگران "گذرگاه ۱۸ خرداد" اند. کار به جایی رسیده است که حتی تحکیم وحدت، تحت فشار اعتراض بدنه خود، هنوز جرئت و جسارت حمایت کامل از خاتمی را نیافته است. خیل رنگارنگ دوم خردادی‌ها، چه در داخل و چه در خارج، وحشت زده به تکاپو افتاده اند تا شاید کسی را به پای صندوقها بکشاند. آنها منظم به جناح راست هشدار میدهند که عدم شرکت مردم در انتخابات به معنی تقویت راست نخواهد بود. که بگیر و ببند جناح راست نمی تواند اوضاع را به قبل از دوم خرداد ۷۶ رجعت دهد. آنها

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: منصور حکمت
www.haftegi.com

۵۴

۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۰
۱۸ مه ۲۰۰۱

جمعه ها منتشر میشود

سر دبیر این شماره:

کوروش مدرسی

انجمن مارکس لندن
شنبه ۹ ژوئن ۱۲ تا ۵
مانیفست کمونیست
مصطفی صابر
تلفن: ۰۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۳۷

روابط عمومی حزب: مریم نمازی

تلفن: 00447719166731

فکس: 00448701351303

wpipr@ukonline.co.uk

دبیر خانه حزب: شهلا دانشفر

تلفن: 00447950517465

markazi@ukonline.co.uk

طول موج

رادیو انترناسیونال

۲۵ متر ۱۱۶۲۵ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب

بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعتراض مردم، موضوعیتش را از دست میدهد. بهر صورت ۱۸ خرداد روز تدفین رسمی جنازه دو خرداد است. بعد از ۱۸ خرداد رنگ سیاسی جامعه چیز دیگری خواهد بود.

علی جوادی : حزب کمونیست کارگری سیاست "افشا" و نه "تحریم" انتخابات جمهوری اسلامی را مطرح کرده است. تفاوت این دو سیاست از نظر شما چیست؟
 کورش مدرسی : مردم و احزاب سیاسی انتخاباتها را ممکن است تحریم کنند. این مراسم اما همانطور که اشاره کردم انتخابات نیست. چیزی مثل دعای کمیل است کسی دعای کمیل یا شام غریبان را تحریم نمیکند؛ در آن شرکت نمیکند. این مراسم ارتجاعی هم همینطور حتی شایسته تحریم کردن نیست. نباید در آن شرکت کرد باید آنرا افشا کرد.

علی جوادی : تا "انتخابات" چند هفته باقی مانده است. رهویسی سیاستهای شما تا روز "انتخابات" چیست؟ چه اقداماتی را تا ۱۸ خرداد در دستور دارید؟ چه اقداماتی را در خود روز "انتخابات" مد نظر دارید؟

کورش مدرسی : جمهوری اسلامی اگر با عدم شرکت اکثریت عظیم مردم در این مراسم مواجه شود، بزرگترین شکستش از مردم آزادیخواه خورده است. صفوفش سرعت روحیه شان را در مقابل مردم از دست میدهند، کشمکش های درونیش برای پیدا کردن راه برون رفت از این وضعیت جدید شدت پیدا میکند و مردم در مقابل رژیم دست بالاتری پیدا میکنند. در یک کلام جمهوری اسلامی به سرنگونیش با سرعت زیادتری نزدیک خواهد شد. در نتیجه سیاست ما این است که با تمام قوا بکوشیم تا این جنبش نه گفتن به جمهوری اسلامی را هر چه وسیعتر کنیم و عدم مشارکت در این مراسم را به یک پدیده سراسری و عمومی تبدیل کنیم. رسیدن به این هدف محتاج آنست که صف وسیع اعضا، فعالین و دوستداران حزب در داخل و خارج کشور و همچنین مردم آزادیخواه دیگری که در این هدف شریک هستند

بسیج شوند و و این سیاست را فراگیر کنند. باید در هر محیطی که هستیم، در کارخانه، در مدرسه و دانشگاه، در محله و محل کار، در خارج کشور و هر جای دیگری با تمام قوا بکوشیم تا تضمین کنیم که این مراسم جمهوری اسلامی با پاسخ نه مردم روبرو خواهد شد و هر کس که به باقی ماندن جمهوری اسلامی علاقه ای ندارد روشن شده که این هدف با شرکت نکردن در این سینه زنی اسلامی تحقق پیدا میکند. در نتیجه باید بحث کرد سراغ آدم ها رفت، مجامع عمومی کارخانه را تشکیل داد، در هر سخنرانی و میننگی که در رابطه با انتخابات اسلامی برگزار میشود شرکت کرد و سیاست شرکت کردن در انتخابات را افشا کرد، شعارنویسی کرد، تراکت و اطلاعاتیه پخش کرد، مقاله نوشت، سخنرانی کرد و غیره. جنبش عدم شرکت در این انتخابات، جنبش نه گفتن به جمهوری اسلامی، فی الحال در ابعاد وسیع در ایران شکل گرفته است. باید آنرا گسترش داد و آنرا منسجم، مستحکم و خودآگاه کرد.

در روز ۱۸ خرداد باید کوشید تا با پیکت کردن در مقابل محل های رای گیری، با تظاهرات و ابراز نفرت از این توهین به وجدان انسانی این مراسم تحمیلی را مختل کرد. این نه یک انتخابات بلکه یک مراسم تحمیلی به مردم است و حق مردم است که مانع از برگزار شدن آن بشوند.

علی جوادی : شما به مسئله تظاهرات و پیکت در روز انتخابات اشاره کردید. برخی از نیروهایی که خواهان عدم شرکت مردم در انتخابات رژیم هستند، سیاست در خانه نشستن در روز ۱۸ خرداد مطرح میکنند. میگویند مناسبترین سیاست خلوت بودن خیابانها در آروز است. پاسخ شما چیست؟

کورش مدرسی : اگر سیاستی درست است باید فعالانه برای تحقق آن تلاش کرد. خانه نشین کردن مردم در شرایطی که حضور آنها میتواند تعیین کننده باشد بنظر من زدن تیر به پای خود است. ۱۸ خرداد روزی است که هم میشود با سوت و کور کردن محل های رای گیری و هم با حضور در خیابانها به صفوف جمهوری اسلامی فهماند که باید

راهشان را از این رژیم جدا کنند.

علی جوادی : طبعاً رژیم در مقابل این خطر ساکت نمیشیند و سعی میکند اجازه تجمع دهد و یا روز انتخابات خیابانها را قرق کند.

کورش مدرسی : همینطور است. از همین حالا شروع کرده اند. جمهوری اسلامی، و نه دستگاه قضائی، شروع به پخش پارازیت روی رادیوهای اپوزیسیون، از جمله رادیو انترناسیونال، کرده، نت کافه ها را مورد حمله قرار داده است. اینها تلاش میکنند که چشم و گوش مردم را بزور ببندند تا صدائی بجز صدای دو جناح را نشنوند. اما اینها کارساز نیست. جنبش براه افتاده و کسی قادر به جلوگیری و یا سرپوش گذاشتن به آن نیست. در مورد تجمعات هم باید به این واقعیت توجه کرد که رژیم میگوید دارد انتخابات برگزار میکند. در نتیجه اجتماع در مورد انتخابات را ناچار است تحمل کند. ۲ خردادی ها شروع کرده اند در همه دانشگاهها جلسه میگیرند تا تشویق به شرکت در انتخابات کنند. در این جلسات میشود شرکت کرد، بحث کرد و سیاست آنها را افشا کرد. تا همین حالا اکثر این جلسات با افشاگری وسیع از جانب شرکت کنندگان روبرو شده است. در کارخانه میشود جمع شد، مجمع عمومی تشکیل داد و درباره انتخابات بحث کرد و حتی قطعنامه صادر کرد. میخوام بگویم نفس اینکه جمهوری اسلامی این مراسم انتخابات نامگذاری کرده دست او را در تعطیل کردن اجتماعات میبندد. جمع شدن و بحث در مورد این انتخابات بخشی از این نمایش رژیم است که نمیتواند از دست آن فرار کند.

میتوان و باید از این نقطه ضعف استفاده هرچه وسیعتری کرد. و بلاخره ۱۸ خرداد تمام زورش را بزند همانقدر نیرو به خیابان میتواند بکشد که چهارشنبه سوری یا روزهای مشابه آورده. مردم نشان دادند که قوی تر از این حرفها هستند.

علی جوادی : در خارج از کشور چه باید کرد؟ سیاست حزب کمونیست کارگری در این عرصه چیست؟

کورش مدرسی : اصول سیاست ما در خارج کشور همان است که در داخل کشور است. راه انداختن جنبش نه گفتن به جمهوری اسلامی و تلاش برای ممانعت از برگزاری این مراسم. اینجا هم کارمان همان هائی است که در پاسخ سوالی قبلی توضیح دادم.

علی جوادی : اجازه بدهید به جنبه دیگری از مسئله "انتخابات" بپردازیم. بالاخره فشار نیروهای متفاوت رژیم، "راست خردگرا"، دوم خرداینها و دنبالچه هایشان در خارج، به خاتمی موثر واقع شد و این سید بالاخره کاندیدای ریاست جمهوری اسلامی شد. موقعیت سیاسی خاتمی را چگونه ارزیابی میکنید؟ خاتمی با چه پلاتفرمی در این دوره ظاهر میشود؟ کاندیدای کیست، کدام جناح؟ قرار است چه برنامه ای را پیش ببرد؟

کورش مدرسی : خاتمی امروز تنها کاندیدی است که هر دو جناح رژیم فکر میکنند شانس این را دارد که در وهله اول بتواند مانع از سوت و کور ماندن محل های رای گیری شود و در وهله بعد موج اعتراض مردم به کل رژیم را کنترل کند. به همین دلیل بطور واقعی خاتمی کاندید هر دو جناح است. خاتمی کاندید نظام است. جناح محافظه کار با پیش نکشیدن کاندیدی جدی از یک طرف نمیخواهد که خود را مجدداً با مردم روبرو کند و از طرف دیگر خاتمی موجود در شرایط داده امروز بهترین رئیس جمهور ممکن برای آنها است. کسی است که فی الحال مستقل از دخیل هائی که طیف توده ای اکثریتی به او میبندند پایبندی خود به سیستم جمهوری اسلامی و ولی فقیه را بکرات نشان داد است. خاتمی و دو خرداد طرفدار اصلاحاتی در چهارچوب جمهوری اسلامی بوده و هستند. دو خرداد و خاتمی نه خواست آزادی بی قید و شرط بیان و تشکل را دارند، نه میخواهند دست مذهب را از حکومت کوتاه کنند، نه میخواهند آپارتاید جنسی را

پایان بدهند و نه به برابری زن و مرد میخواهند جامعه عمل ببوشانند و نه هیچ چیز دیگری در این ردیف. خاتمی حداکثر میخواهد پایه شراکت متعلقین به جمهوری اسلامی و بقول خودشان "خودی ها"، را گسترش دهد. همین. دو خرداد و خاتمی طی مدت گذشته به این هدفها پایبند ماندند آنچه که تغییر کرد این است که مردم در ابعاد وسیع متوجه شدند که خواستشان با جنبش دو خرداد متفاوت است. و با نظام جمهوری اسلامی روبرو هستند و نمیخواهندش. مردم از دو خرداد و خاتمی عبور کردند. در نتیجه خاتمی موقعیت ضعیف تری در چانه زدن برای امتیاز گرفتن بنفع جناحش خواهد داشت. این مساله مردم نیست. دور گذشته که موقعیتش بهتر بود به مردم نشان داد که پلاتفرمش چیست. علی جوادی : جناح راست جمهوری اسلامی، نیروهای جمعیت موتلفه، جامعه روحانیت مبارز و غیره از اعلام کاندیداتوری مستقل خودداری کرده اند. کلاً موقعیت این جناح را در اوضاع و احوال کنونی چگونه می بینید؟

کورش مدرسی : اشاره کردم که جناح محافظه کار نمیخواهد با قرار دادن خود در مقابل مردم دوباره آنها را به میدان بکشد. در شرایط کنونی خاتمی بهترین انتخاب ممکن برای فرصت خریدن برای جمهوری اسلامی است. خاتمی کاندیدی است که بعد از سر در آوردنش از صندوق رای محافظه کاران میتوانند دوفاکتو خود را در پیروزی او شریک اعلام کنند. این جناح در پروسه چهارساله حاکمیت دو خرداد در مقابل آن قوی تر و منسجم تر شده است. چهار سال پیش برای خامنه ای کسی تره خرد نمیکرد. امروز به یمن ۲ خرداد شخصیت اصلی رژیم شده. چرا باید بخواهند این وضع تغییر کند؟

علی جوادی : دوم خرداد به جناح راست التماس میکند صفحه ۴

انترناسیونال هفتگی را در ایران و خارج تکثیر و پخش کنید

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید
www.radio-international.org

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

گفته های هفته

علی جوادی

راه کارگر، انتخابات و خاصیت های کلمه "دیگر"



ali_javadi@yahoo.com

و دیگری از پادوهای جنبش ملی-اسلامی، و در کنار رژیم اسلامی است. اما عروج دوم خرداد آغاز شروع نزدیکی این دو نیرو بود. امروز هر دو در یک راستا خواهان "مشارکت" مردم در "انتخابات" رژیم اسلامی هستند. یکی میگوید: "تحریم انتخابات کنونی بزرگترین اشتباه" است. دیگری معتقد است: باید "از اصلاح طلبان در مقابل حزب الله دفاع کرد."

این تشابه سیاسی البته اتفاقی نیست. هراس هر دو مبنای دیگری برای نزدیکی شان است. یکی در هراس از فروپاشیدن رژیم "مطلوب" اش، رژیمی که برای سلامت رهپرش "در روز خودش دست به دعا" هم برده بود، است. دیگری در هراس از تلاش مردم برای سرنوشتی و انقلاب اجتماعی بر علیه وضع موجود. یکی با سرنوشتی رژیم اسلامی آینده‌اش تمام میشود. دیگری اما با سرنوشتی رژیم اسلامی و انقلاب مردم قدرت و امکان دخالت در اوضاع و احوال آتی و کنترل مردم را از دست میدهد. یکی خواهان "اصلاح" رژیم اسلامی برای بقای آن و فرار از آینده محتوم است. دیگری مدافع جناحی از رژیم است چرا که تغییرات از "بالا"، دخالت غرب در تحولات سیاسی، مبنای استراتژی‌اش برای نزدیک شدن به قدرت سیاسی را تشکیل میدهد.

از "منظر" دوم خرداد موقعیت کنونی این نیروها هر دو "دلیلی" بر پیشرفت سیاست خاتمی در تقابل با "اپوزیسیون" است. خاتمی با تز "تبدیل معاند به مخالف" و تبدیل مخالف به موافق برای کاستن از فشارهای اجتماعی وارد صحنه شد. کشتگر منتقد دیربازی رژیم اسلامی بود. اکنون "موافق" رسمی رژیم اسلامی است. همایون معاندی خواهان سرنوشتی رژیم بود. امروز اساسا "مخالف" مشروط رژیم است.

← از صفحه ۱
شاید بتوانند در کنار چهره های زمختتر جمهوری اسلامی، همچنان بازیگران اصلاحات بمانند. برای این کار به هر دری میزنند: وعده میدهند که "اگر با روشهای غیرقانونی مخالفت کنید مردم حسابتان را به عنوان طرفداران حقوق شهروندان جدا خواهند کرد!" (مجرمینی که خود تحت تعقیب ۷۰ میلیون نفرند ابلهانه قول دادند ضامن مجرمین دیگر خواهند بود). هشدار میدهند "اگر امید به اصلاحات از بین برود ملت ممکن است از هر کس و هر گروهی که بتواند وضع موجود را بکلی تغییر دهد استقبال کند و کل پیکره از بین برود."

سران راست بعد از ماهها این پا و آن پا کردن، فعلا حتی جرئت نکرده اند رسماً از میان خیل شعبان بی‌مخهای اسلامیشان یکی را برای قرار گرفتن بر تخت ریاست حکومت اسلامیشان کاندید کنند. به قول خودشان "در مقابل دشمن جاخالی" داده اند. این در حقیقت جاخالی دادن در مقابل مشت گره کرده مردم است. سرشان را کج کرده اند تا شاید مشت مردم اول بر سر شرکای جرمشان کوبیده شود. اینها هم مثل جناح دیگر سعی میکنند مسیر سیل را از خود دور کنند و به سمت "همسایه روبرو" منحرف کنند. هم دوم خردادیها و هم راست میخوانند خود را از گوشت دم توپ بودن کنار بکشند. زمین زیر پایشان سوزان است، روی دوش هم سوار میشوند.

دوستان خارج از حکومت جمهوری اسلامی به چه کاری مشغولند؟ طبق معمول، تقلایی مذبحخانه اینبار در اوج پریشانی و افلاس. همچنان مشغول جمع آوری هییز برای تنور "انتخابات" هستند - اینبار برای تنوری که خاکسترش هم سرد شده است. ملی-اسلامیها، همانهایی که عمری در بارگاه حسینی و حکومت اسلامی گردگیری کردند و با جفتکی از "امام راحل" به پایین پله های این بارگاه پرت شدند همچنان به شغل گردگیریشان مشغولند - این بار گردگیری در عمارتی لرزان. ورثه متفرقه حزب توده در فدائیان اکثریت و راه توده و شرکا لحظه ای برای رنگ آمیزی خاتمی و فروشش به مردم آرام و قرار ندارند. برایش استراتژی انتخاباتی پیشنهاد میکنند؛ راههای فریب دادن مردم را نشان میدهند؛ میخوانند خاتمی یک جوری از چهار سال خود انتقاد کند تا شاید بتواند مردم را به پای صندوقها بکشاند. اینها بار دیگر

دیگها را بیرون کشیده اند، آش رشته بار گذاشته اند - اینبار به جای دفاتر خط امام در تهران، پای سفارتهای حکومت اسلامی در خارج کشور.

چه چیزی سران جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است؟ صرف شکست اصلاحات درون حکومتی؟ صرف پیش بینی شکست نمایش اسارت اسلامی؟ پشت وحشت روزافزون سران رژیم حقایق مهمتری قرار دارند: دهها شورش توده ای، ورق پاره های سوخته قرآن در خلخال، اعتصاب متحد کارگان نفت، جاده بستنها و اعتصابات و تحصنات و تجمعات اعتراضی متعدد و مستمر کارگران در چند سال گذشته، اعلام جنگ مردم علیه هر دو جناح در ۱۸ تیر ۷۸، به آتش کشیدن حجاب اسلامی در سندانج، عصیان جوانان در چهارشنبه سوری، گوشمالی متعدد اجیران نهی از منکر توسط جوانان، قدرتمایی کارگران در اول مه ۸۰، نفرت بی حد مردم از آخوند و اسلام و ارازل اسلامی. همه اینها در مقابل چشمان نگران سران جمهوری اسلامی رژه میروند. میدانند و حتی تجسم میکنند لحظه ای را که این خشمها و نفرتها، این اعتراضات و اعتصابات، به یک جنبش عظیم بنیان کن تبدیل خواهد شد و میدانند در آن لحظه حتی خدایشان هم سوراخی برای قائم شدن پیدا نخواهد کرد. این همه وحشت از اینجاست.

جمهوری اسلامی در موقعیت بیسابقه ای قرار دارد. جناحهایش نه میتوانند از هم بگذرند و نه میتوانند متحد شوند. نه میتوانند به تنهایی مسئولیت حکومتشان را عهده دار شوند و نه میتوانند درسته تحویل طرف مقابل بدهند. لاشه ای متعفن را سرکوب کنند و نه میتوانند فریشان بدهند. این وضعیت کل حکومت اسلامی را در مقابل مردم در موقعیتی متشتت، مشوش و ضعیف قرار داده است. حکومتی از هم گسیخته که صاحبانش هم نمیدانند با آن چکار کنند. لاشه ای متعفن روی دست صاحبان اصلیش مانده است. کسانی که تا دیروز برای تولیت اسلام عزیز سر و دست میشکستند جرئت نمیکند دستی زیر تابوت جمهوری اسلامی ببرند. آیا هیچ لحظه ای از حیات جمهوری اسلامی مثل الان برای دفن کردن این لاشه مساعد بوده است؟ آیا هیچ لحظه ای تا این حد مناسب بوده است که مردم بر عمر بیست و سه ساله یک مشت کلاش اسلامی نقطه پایان بگذرانند؟

معجزونی از تفکرات ناسیونالیستی، فرهنگ و سنتهای اسلامی، و شرق زدگی جوهر ایدئولوژیک و خمیر مایه سیاسی راه کارگر را تشکیل میدهد. این جریان خود را "سوسیالیست" میداند. اما "سوسیالیسم" شان اسلامی است. از جنس و نوع "سوسیالیسم" سازمان "مجاهدین انقلاب اسلامی". از "پدر طالقانی" و "فقیه عالیقدر" بسیار آموخته‌اند. ادبیاتشان اسلامی - قرآنی است. با سقوط بلوک شرق کعبه آمالشان فرو ریخت و یک شبه "دمکرات" شدند و ایده "بازار آزاد" و "پارلمان" در تفکر سیاسی‌شان تقویت شد. به لحاظ سیاسی پامنبر سازمانهای اصلی تر این سنت یعنی حزب توده و اکثریت هستند. ائتلافها، دوری‌ها و نزدیکی‌هایشان تماماً در این طیف صورت میگیرد. در زمره قربانیان جمهوری اسلامی‌اند، اما گاه و بیگاه و در بزنگاههای مهم سیاسی در دفاع از جناحی از رژیم اسلامی قد علم کرده‌اند. با عروج دوم خرداد به این جناح از رژیم نزدیک شدند و در کنار چتر دوم خرداد و در زیر سایه‌اش قرار گرفتند. صفحات بسیاری را در این دوران در دفاع از "اسلام مدرن" سیاه کردند. به دفاع از این طیف و نیروها و پروژه‌شان برخاستند و همزمان حملاتشان را به آزادیخواهی و کمونیسم تشدید کردند. تلاش کردند دفاع از این جریان را بخشی از "حرکت آزادیخواهی" مردم قلمداد کنند. با روشن شدن ماهیت ۲ خرداد، به همت مبارزه مردم و تلاش های حزب کمونیست کارگری، راه کارگر به سردرگمی و تشتت مجدد کشانده شد. مجبور شدند علیرغم میلشان کمی از سایه بان دوم خرداد فاصله بگیرند. علیرغم میلشان تا اطلاع ثانوی از این نیرو "قهر" کنند!

داریوش همایون - علی کشتگر

تعریف میشوند. مبدا تخصص آمیز سیاسی این دو درک موقعیت و همگونی فعلیشان را در قیال رژیم اسلامی در درجه اول پیچیده میکند. یکی سلطنت طلب و دیگری اسلام زده است. یکی از رهبران جنبش ناسیونالیسم راست پرو غربی

این روزها بعضا نام داریوش همایون در کنار نام علی کشتگر شنیده میشود. از این بابت هیچکدام نمیتوانند خوشحال باشند. این زوج سیاسی امروز در تشابه و نزدیکی سیاستشان در قیال "انتخابات" جمهوری اسلامی

← از صفحه ۲

که اختلافات خود را کنار بگذارند و نیروهای خودشان را در حمایت از یک نامزد انتخاباتی بسیج کنند. در نوع خودش این سیاست بینظیر است. ارزیابی شما از این اقدام دوم خرداد چیست؟

کوروش مدرسی: ۲ خرداد از محافظه کاران میخواست که داوطلبانه به موقعیت چهار سال قبل برگردند و برای گرم شدن بازار این شامورتی بازی اسلامی خودشان را ذبح سیاسی کنند. این صرف نظر از بلاهت، عمق فکری متفکرین دو خردادی را میسراند که در زیر پرده اختناق اسلامی باور کرده اند که افاضات آنها در باب سیاست و جامعه شناسی، که از روی کتب درسی سال اول دانشگاههای غرب کپی شده اند، جدی است. به این سیاست های مشعشع فقط باید خندید و مبتکرین آن را تحقیر کرد.

علی جوادی: دوم خردادیهها مطرح میکنند که "تحوالات تدریجی"، "در چهارچوب نظام" موجود، برای مردم کم هزینه تر و پایدار تر است. برخی از آنها مطرح میکنند که "حال و حوصله" انقلاب را دیگر ندارند! ارزیابی شما از این اظهارات چیست؟

کوروش مدرسی: اینکه حال و حوصله و یا بقول مزروعی تن انقلاب را ندارند خود را به خیریت زدن است. انقلابی که در حال شکل گیری است علیه خود آقایان است. اختناق آدم را خرفت میکند منتها این دیگر اوج حماقت است. این حضرات مهم نیست حال انقلاب را دارند یا نه. انقلاب آینده ایران بزودی حال آنها را جا خواهد آورد. مردم حال تحمل اینها را دیگر ندارند.

اما این ترز که سرنگونی جمهوری اسلامی هزینه زیادی دارد میتواند تنها تر و حرف کسی باشد که از هزینه ی ماندن جمهوری اسلامی بی خبر است. وجود جمهوری اسلامی چند نسل از مردم آن جامعه را به تباهی فیزیکی و معنوی کشانده است. چند نسل دیگر خانواده کارگری باید به قهقرا

برده شود؟ چند سال دیگر باید زنان این جامعه تحقیر و بی حقوقی را تحمل کنند؟ چند سال دیگر باید آپارتاید جنسی را پذیرفت؟ چند نسل دیگر از فرزندان ما باید قربانی این رژیم شوند؟ نه شادی را تجربه کنند، نه آزادی و تعالی فیزیکی و معنوی را؟ چند نسل دیگر باید گرسنه ماند؟ چند زن دیگر باید سنگسار شوند؟ زندگی و آینده میلیونها انسان آن جامعه دارد هرروز هزینه وجود جمهوری اسلامی میشود. کسی که این هزینه نمی بیند نفسش از جای گرم در میاید. یا نیمفهمد مردم چه میکنند، یا این رژیم به طبعش است و یا از به میدان آمدن مردم و از میان رفتن دستگاه دولتی اسلامی بیش از وجود آن میترسد و میخواهند دستگاه دولت دست را دست نخورده تحویل بگیرد.

علی جوادی: دوم خردادیهها از مردم میخواهند که با شرکت گسترده در "انتخابات" این مراسم را به یک "فراندوم" در مورد "گدام قرائت از جمهوری اسلامی" تبدیل کنند. چقدر این تبلیغات میتواند برای دوم خرداد راهگشا باشد؟

کوروش مدرسی: هیچ قرائتی از جمهوری اسلامی مورد قبول نیست. چهارسال گذشته ۲ خرداد فکر میکرد مردم قرائت آنها را قبول کرده اند چکار کردند؟ امروز قرار است چه چیز به این کارنامه اضافه شود؟ قرار نیست بین قرائت های مختلف اسلام یکی را انتخاب کنیم. مردم میخواهند جمهوری اسلامی برود و یک رژیم آزاد و برابری خواه و انسانی جای آنرا بگیرد. مردم احتیاجی به این قرائت خانه اسلامی ندارند. این بازار گرمی برای ممانعت از روبرو شدن جمهوری اسلامی با نفرت مردم است.

علی جوادی: کلا طرح "فراندوم" از جانب نیروهای متفاوت را در شرایط کنونی چگونه ارزیابی میکنید؟

کوروش مدرسی: کسی که فکر کند جمهوری اسلامی حاضر است در مورد خودش رفراندوم بگذارد و بعد رای ها را بشمارد و اعلام کند که مردم گفته اند

باید برود در این دنیا تشریف ندارد. سرنگون کردن جمهوری اسلامی ساده تر از کشاندنش به چنین کاری است. اینها کتاب میخوانند، آنهم کتابهای دست دوم و هر روز صبح با فریاد "یافتم!" "یافتم!" از رختخواب بیرون میپروند. نباید اینها را جدی گرفت. جدی نیستند. میخواهند راست بودن پلانفرم شان و یا ناروشنی سیاسی شان را در قالب شعار بپوشانند.

علی جوادی: فکر میکنید که جمهوری اسلامی چگونه از این اوضاع سیاسی در فریاد انتخاباتی بیرون خواهد آمد؟

کوروش مدرسی: آنچه که قطعی است این است که خاتمی از صندوقها سر بیرون میاورد. جمهوری اسلامی هم شمار واقعی مردمی که در این مراسم شرکت کرده اند را اعلام نمیکند. اما فضای عمومی واقعیات را نشان خواهد داد. بیگمان مردم به تعداد آرای اعلام شده ریشخند خواهند زد و خود افراد و نیروهای رژیم هم آنرا باور نخواهند کرد. بعد از این انتخابات رژیم تضعیف شده تر و در مقابل مردم ضعیف تر خواهد بود. دو خردادی که در مراسم تشییع جنازه خود شرکت کرد و جناح راستی که با بی اعتنائی وسیع مردم روبرو شده. کل حکومت اسلامی لخت در مقابل مردم قرار میگردد. فکر میکنم که صفوف نیروهای رژیم در مقابل نفرت اعلام شده مردم بهم ریخته تر و سردرگم تر از همیشه میشود. در یک کلام روند فروپاشی جمهوری اسلامی تشدید میشود.

علی جوادی: نیروهای جنبش ملی - اسلامی از توده های - اکثریتی ها گرفته تا جبهه ملی و اقوامشان کماکان در زیر چتر دوم خرداد و خاتمی سینه میزنند. آینده این نیروها را چگونه می بینید؟

کوروش مدرسی: اینها در چهارسال گذشته همه تاریخ مشعشع همکاری خود با جمهوری اسلامی را زنده کردند. شکست دو خرداد شکست اینها بود. ریشه اینها با جریانهای نظیر مجاهدین انقلاب اسلامی و "بچه

های سپاه و اطلاعات" یکی است. وجود اینها به وجود جمهوری اسلامی گره خورده است. با تضعیف جمهوری اسلامی و با فرو ریختن یکی دیگری تضعیف میشوند و از میان میروند، حاشیه ای تر میشوند و اصولا بدرجات زیادی موضوعیتشان را از دست میدهند. عبور مردم از ۲ خرداد انعکاسش را در عبور از اینها هم خواهد یافت. شرط ادامه حیات سیاسی اینها وجود یک جامعه محنت خور است. با از بین رفتن اختناق اینها هم از بین میروند.

علی جوادی: برخی از نیروهای جنبش ناسیونالیست پرو غربی، طرفداران نظام سلطنتی در دفاع از "اصلاح طلبان" قد علم کردند. داریوش همایون در این صف است. ارزیابی شما از این سمت گیری چیست؟ بنظرتان در پس دفاع از دوم خردادیهها بدنبال چی هستند؟

کوروش مدرسی: بعنوان یک اصل اینها از مردم بیشتر از جمهوری اسلامی میترسند. هرچه امکان رادیکالیزه شدن مردم و بخصوص به میدان آمدن طبقه کارگر بیشتر باشد اینها بیشتر پس میکنند. از یک موضع راست پروغربی حتما میخواهند جمهوری اسلامی برود و از این نظر آرمان اینها با جریانهای ملی اسلامی نظیر طیف حزب توده، اکثریت و راه کارگر فرق میکند. اینها میخواهند گذار حتما بدون دخالت مردمی که کنترلشان را ندارند انجام شود. کودتا به طبعشان سازگارتر است. اما در این مورد مشخص مراسم انتخاباتی رژیم این کشمکش بیشتر گسیختگی و فقدان اتوریته و رهبری در میان اینها را نشان میدهد. این یک جنبش با سنت و بدون رهبر است. این اختلاف را هم باید در این متن فهمید.

← از صفحه ۱
جنبش رای ندادن و عدم شرکت در انتخابات راه افتاده و وسیعتر میشود. حتی در جلسات علنی که دوم خردادی ها در دانشگاه بر پا میکنند کسانی از میان جمعیت به صراحت اعلام میکنند که عدم شرکت در انتخابات یک نه بزرگ به کل نظام است. اما موضوع به همینجا ختم نمی شود. مردم آماده دخالت فعالتر در اوضاع اند. در خانه ماندن و خالی گذاشتن خیابان و صندوقهای رای البته یک پیام آشکار به سران جنایتکار رژیم و شارلاتان های رنگارنگی است که میخواهند این تحتانی ترین طبقه جهنم را "اصلاح" و نوسازی کنند. ولی مردم در فکر این هستند که با آمدن به خیابان و اعتراض مستقیم و علنی علیه جمهوری اسلامی و انتخاباتش، توازن قوا را پیش از پیش به نفع خود تغییر دهند. بعبارت دیگر مساله این نیست که مردم وسیعا از جمهوری اسلامی و جناح ها و انتخابات آن متفردند، بلکه مساله این است که مخالفت و اعتراض خود را طی فرصتی که شرایط انتخابات در اختیار آنها گذاشته چگونه بیان خواهند کرد.

اوضاع بعد از انتخابات را بیش از هر چیز همین فاکتور تعیین خواهد کرد. هر اندازه مخالفت مردم با انتخابات به جنبشی وسیع و اعتراضی، به پیکت ها و اجتماعاتی در برابر حوزه های رای گیری، به بهم ریختن صندوقهای رای و برپایی راهپیمایی های اعتراضی و خلاصه به یک نه فعال، قاطع و پر سر و صدا علیه جمهوری اسلامی تبدیل شود، پیروزی مردم بزرگتر خواهد بود و شرایط رهایی از شر این جهنم فراهم تر خواهد شد.

آذر مدرسی رئیس هیات دبیران 0049-172 7823746

اصغر کریمی دبیر کمیته خارج 0044-771 4097928

رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان:

0046-739 855 837

محمد آسنگران روابط عمومی کمیته کردستان:

0049-177 569 2413

بهروز مدرسی -دبیر سازمان جوانان کمونیست:

0049172 295 7603

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.iwsolidarity.com

www.wpiran.org

www.medusa2000.com

www.rowzane.com

www.marxsociety.com

www.hambastegi.org

www.kvwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England